



## اصحاب و یاران مهدی (عج) چه کسانی هستند و چگونه به امام ملحق می شوند؟

براساس آموزه‌های دینی، یکی از سنت‌های الهی در جهان این است که هر پدیده، می‌باید...

براساس آموزه‌های دینی، یکی از سنت‌های الهی در جهان این است که هر پدیده، می‌باید به صورت قاعده مند از راه فراهم آمدن شرایط و مقدمات آن به وجود آید. این اصل، در روایات این گونه بیان شده است: «#171؛ اَبی‌الله اَنْ یَجْرِی‌اُمُورِ اِلاَّ بِاَسْبَابِهَا فِجَعْلِ لَکُلِّ شَیْءٍ سَبَبًا؛ خداوند امتناع دارد از این‌که امور را جز از راه اسباب آن فراهم آورد»؛ (مازندرانی، 1421: ج8، ص210). تحولات و رخدادهای اجتماعی نیز همانند پدیده‌های تکوینی، محکوم این اصل می‌باشد. بر این اساس، تحقق هر انقلاب و رویداد اجتماعی، به زمینه‌ها و شرایط آن، وابستگی دارد. ظهور و قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز پیرو همین اصل است و بدون تحقق زمینه‌ها و شرایط آن، به وقوع نخواهد پیوست.

یکی از مهم‌ترین شرایط و مقدمات لازم برای تحقق ظهور، وجود یاورانی شایسته و لایق برای پشتیبانی از قیام و انجام کارهای حکومت جهانی است؛ زیرا سنت الهی بر این قرار گرفته که امور عالم از مجرای طبیعی و علل و اسباب عادی انجام گیرد؛ بنابراین همان گونه که نقش یاران در موفقیت حرکت‌های اصلاحی پیامبران الهی تعیین کننده بوده، در قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز نیاز به یاران، امری ضروری و اجتناب ناپذیر است؛ زیرا بنا نیست این قیام، با نیروی اعجاز به سر انجام برسد؛ بلکه حرکت‌های اصلاحی حضرت از راه اسباب و عوامل عادی به پیروزی می‌رسد. بدیهی است چنین انقلاب عظیمی، بدون نیروهای مؤمن و فوق العاده توانمند و مؤثر، امکان تحقق نخواهد داشت.

بر این اساس، یکی از موضوعات لازم در حوزه مباحث مهدویت، بحث از یاران حضرت مهدی علیه السلام و شناخت ویژگی‌ها، کارکردها و اقدامات سیاسی نظامی مجموعه نیروهایی است که هنگام ظهور به امام مهدی علیه السلام می‌پیوندند و تحت فرمان آن حضرت، به انجام مسؤولیت می‌پردازند. با توجه به اهمیت مسأله و نقش آموزنده آن، بخشی از روایات مهدویت به انعکاس این موضوع پرداخته است.

طبق آنچه از روایات استفاده می‌شود، مجموع یاوران و کسانی را که در آغاز ظهور، دعوت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را لبیک می‌گویند و برای یاری، به امام علیه السلام می‌پیوندند، می‌توان به دو گروه، تقسیم کرد:

الف. گروه اصحاب

ب. گروه انصار

گروه اصحاب، افراد ویژه و فوق العاده ممتازی هستند که به عنوان اصحاب حضرت در نخستین ساعات ظهور، به امام مهدی علیه السلام می‌پیوندند. آنان، هسته‌های اولیه نهضت جهانی امام مهدی علیه السلام را تشکیل می‌دهند. آنان کسانی‌اند که هم قیام حضرت با حضور آنان آغاز می‌شود و هم پس از پیروزی، از مشاوران و وزرای امام عصر علیه السلام خواهند بود و بخش مهمی از کارها را به دوش خواهند کشید. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با کمک آنان، دنیا را فتح کرده و عدالت موعود را سراسر جهان حاکم خواهند کرد.

در منابع روایی، این گروه، با عنوان «#171؛ اصحاب‌المهدی» یاد شده‌اند. آنان، در مقایسه با دیگر یاران حضرت، از مقام، جایگاه و منزلت برتری برخوردارند و در سیستم حکومتی حضرت نیز مسؤولیت‌های مهم‌تر و حساس‌تری بر عهده دارند.

اما گروه انصار، عبارتند از مجموعه یاورانی که پس از ظهور به حمایت از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌شتابند و به سپاه آن حضرت ملحق می‌شوند. این عده، شامل همه افرادی می‌شود که با آغاز قیام حضرت، دسته دسته برای یاری ایشان به پا می‌خیزند، و دعوت امام علیه السلام را لبیک می‌گویند. این گروه، شامل سه دسته از نیروهایی هستند که به تدریج به سپاه حضرت می‌پیوندند:

دسته اول، کسانی‌اند که در آغاز ظهور و اعلام خبر قیام حضرت در مکه، خود را به امام علیه السلام می‌رسانند و با ایشان بیعت می‌کنند. حضرت، پس از حضور و اعلام بیعت آنان، به قیام می‌پردازد و از مکه به سوی مدینه حرکت می‌کند.

دسته دوم، خیل عظیمی از مؤمنان و مشتاقانی‌اند که با آغاز قیام حضرت، در میانه راه به سپاه امام مهدی علیه السلام می‌پیوندند و در رکاب او با دشمنان خدا می‌جنگند.

دسته سوم، نیروها و سپاهیان‌اند که پس از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از جاهای دور و نزدیک با هدف مقابله با لشکریان سفیانی و حمایت و پشتیبانی از حضرت مهدی علیه السلام، به سوی او می‌شتابند و به سپاه حضرت می‌پیوندند.

دراين نوشتار، سعي شده است به منظور شناخت خصوصيات و اوصاف اصحاب و ياران حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف و نقش مؤثر آنان در شرايط و تحولات نخستين روزهاي ظهور، ابعاد مختلف اين موضوع بررسي شود.

## گروه اصحاب

کلمه «اصحاب»؛ 171# و «صحابه»؛ جمع صاحب از ماده «صحب»؛ به معنای همراه، گروه، معاشر و یاور است (ابن منظور، بی‌تا: ص 519؛ زبیدی، 1385: ج 3، ص 186). در آیات و روایات نیز این کلمه به معنای همراه، اهل، دسته و گروه، به کار رفته است.

درباره اصحاب و یاران حضرت قائم عجل الله تعالي فرجه الشريف، و وقایع مربوط به آن نکات متعددی قابل طرح است که این جا لازم است با استناد به روایات، بدان اشاره شود:

\* شمار اصحاب حضرت مهدي عليه السلام درباره تعداد اصحاب امام مهدي عليه السلام در روایات، آمار و ارقام مختلفی ذکر شده است. بیشتر روایات، تعداد یاران مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف را سیصد و سیزده تن- به تعداد اصحاب پیامبر صلي الله عليه و آله در جنگ بدر- ذکر کرده است (صفار قمی، بی‌تا: ص 311؛ صدوق، بی‌تا: ج 2، ص 654).

دسته دیگر روایات، تعداد اصحاب مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف را بیش از سیصد و سیزده نفر نقل کرده است. برخی از این روایات، رقم ده هزار نفر را ذکر کرده است؛ مانند آنچه از امام صادق عليه السلام نقل شده است که فرمود: «اصحاب مهدي ظهور نمی‌کند، مگر این که حلقه کامل گردد»؛ و وقتی از حضرت سؤال شد که عدد آنان چند نفر است؟ فرمود: «اصحاب مهدي ظهور نمی‌کند، بی‌تا: ص 307».

همچنین ابوبصير نقل می‌کند:

مردی کوفی از امام صادق عليه السلام تعداد یاران امام مهدي عليه السلام را پرسید و گفت: «اصحاب مهدي به تعداد اصحاب بدر، 313 نفرند»؛ حضرت در پاسخ فرمود: «اصحاب مهدي ظهور نمی‌کند، مگر با نیروی قدرتمندی که تعداد آنان، کمتر از ده هزار رزمنده نخواهند بود»؛ (صدوق، همان: ج 2، ص 654).

بعض دیگر از این نوع روایات، تعداد اصحاب مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف هنگام ظهور را بین دوازده تا پانزده هزار نفر، ذکر کرده است (ابن طاووس، بی‌تا: ص 65). حتی در روایتی، عدد یکصد هزار نفر نیز نقل شده است (مجلسی، بی‌تا: ج 52، ص 307 و 367).

باتوجه به قرائن موجود، این چند دسته روایات را می‌توان این گونه جمع کرد که روایات متضمن عدد سیصد، ناظر به اصحاب ویژه امام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف در مرحله آغازین قیام است، همان کسانی که هسته اصلی قیام حضرت را تشکیل می‌دهند و در روایات، از آنان، با عنوان پرچمداران و فرماندهان لشکر مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف یاد شده است (کلینی، بی‌تا: ج 8، ص 313؛ صدوق، همان: ج 2، ص 672). که حضرت مهدي عليه السلام به وسیله آنان، شرق و غرب جهان را فتح می‌کند و آن‌ها را فرمانروایان روی زمین قرار می‌دهد. (نعمانی، همان: ص 252)

اما روایات دسته دوم، ناظر به مجموع نیروهایی است که به جمع سیصد و سیزده نفر می‌پیوندند. بنابراین، با توجه به اختلاف روایات درباره تعداد یاران مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف می‌توان گفت: آمار و ارقام یاد شده، مقصود نبوده؛ بلکه هدف از بیان این ارقام، فزونی یاوران و پیروان امام مهدي عليه السلام بوده است.

\* نام و ملیت اصحاب

در برخی روایات، خصوصیات اسمی و وطن و محل اقامت 313 نفر از یاران امام مهدي عليه السلام، ذکر شده است و از شهرهایی مانند کوفه، بصره، مدائن، هرات، حران، قلزوم، خیبر، طرابلس، بیروت، طالقان، همدان، ری، اهواز، قم، قزوین، نیشابور، کرمان، مرو، توس و... نام برده شده است.

در روایتی که اصیغ ابن نباتة از امیرالمؤمنین عليه السلام نقل کرده آمده است:

روزی امیرالمؤمنین عليه السلام خطبه‌ای ایراد فرمود که در آن، از مهدي عليه السلام و یاران او ذکر می‌شد. در آن حال، ابو خالد از امیرالمؤمنین عليه السلام، درخواست کرد تعداد و اوصاف و خصوصیات اسمی و محلی یاران مهدي عليه السلام را بیان فرماید. امیرالمؤمنین عليه السلام به نقل از رسول خدا صلي الله عليه و آله تعداد و محل‌های 313 تن از یاران و همراهان مهدي عليه السلام هنگام ظهور را بازگو کرد؛ در حالی که مردم آن را می‌نوشتند. سپس فرمود: «اصحاب مهدي عليه السلام به تعداد اصحاب بدرند، برایم چنین معرفی کرد»؛ (کورانی، 1411: ج 3، ص 104).

در این روایت، اسامی 313 نفر اصحاب خاص امام عصر عليه السلام و محل سکونت آنان، به تفصیل بیان شده است. در روایت دیگر، ابو بصیر نقل می‌کند: به حضور امام صادق عليه السلام رسیدم؛ حضرت به کسی که در مجلس حضور داشت، فرمود: «اصحاب مهدي ظهور را بازگو کرد؛ در حالی که مردم آن را می‌نوشتند»؛ سپس نام‌های تک تک یاران ویژه حضرت مهدي عليه السلام را با ذکر محلات و مناطق زندگی‌شان، بیان فرمود (طبری، همان: ص 556-575؛ کورانی، همان: ج 4، ص 28).

در این باره تذکر دو نکته لازم است:

نکته اول این که مراد از اماکن و شهرهایی که در این روایات، از آن نام برده شده، مفهوم متعارف آن زمان است و این نام‌ها ناظر به مکان‌هایی است که هنگام صدور روایت، با این عناوین و نام‌ها یاد می‌شده‌اند؛ به همین سبب در بسیاری از این موارد، تطبیق این اسامی با اماکن و شهرهایی که بعدها بدین نام، نام‌گذاری و مشهور شده، قدری دشوار است؛ زیرا بسیاری از شهرهای نام‌برده شده در گذر زمان، تغییر نام یافته یا در اثر توسعه دارای چندین شعبه با نام‌های گوناگون شده باشند. نیز ممکن است در ثبت و ضبط نام این شهرها و محلات، تصحیف (خطای نوشتاری) رخ داده باشد. همچنین در برخی موارد، شهرهای جدیدی احداث شده است که با آنچه در روایات آمده است، فقط تشابه اسمی دارد. افزون بر این که در ترتیب اسامی و مکان‌های یاد شده در این گونه روایات، اندک تفاوت‌هایی نیز دیده می‌شود.

نکته دوم این که باید توجه داشت با آن که دانستن نام اصحاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و آگاهی از موطن و ملیت آنان، مطلوب است، این اطلاع و آگاهی، از نظر معرفتی برای ما چندان اثری نخواهند داشت؛ بلکه آنچه در این خصوص مهم و لازم است، توجه به ویژگی‌های شخصیتی یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تأسی عملی به ایشان است؛ مطابق آنچه در روایات معرفی شده است.

\* چگونگی پیوستن اصحاب حضرت مهدی علیه السلام به آن حضرت

طبق نقل روایات، اصحاب مهدی، به طور ناگهانی و معجزه‌آسا، از مسافت‌های دور و نزدیک، در یک شب یا صبحگاه، درمکه معظمه، گرد می‌آیند و به حضرت می‌پیوندند. امیرالمؤمنین علیه السلام درباره چگونگی فراخوانی و پیوستن یاران مهدی علیه السلام، از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «&#171; خداوند، یاران مهدی را در کمتر از چشم به هم زدن، از مشرق و مغرب، کنار کعبه، گرد می‌آورد» (ابن طاووس، همان: ص 146).

همچنین در روایت دیگری از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود: «&#171; یاران مهدی، با طی الارض به سوی او می‌شتابند و در مکه با او بیعت می‌کنند» (فتال نیشابوری، بی‌تا: ج 2، ص 263).

\* چگونگی بیعت اصحاب

پس از پیوستن یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اولین اقدام حضرت، اخذ بیعت از اصحاب و پیمان وفاداری و اطاعت آنان از امام علیه السلام است. پایمردی در میدان رزم، دوری از حرام و کارهای منکر مثل دزدی، زر اندوزی، احتکار، رباخواری، تخریب مساجد، شهوات باطل، نوشیدن شراب، تجمل‌گرایی، تحقیر اشخاص مؤمن، تعقیب افراد فراری، خونریزی ناحق، انفاق به افراد منافق و کافر، انجام عمل منافی عفت و... از موارد مطرح در این میثاق بیعت است. همچنین امام از یاران خود پیمان می‌گیرد در تحمل سختی‌ها مقاوم باشند و مردم را امر به معروف و نهی از منکر کنند. اصحاب نیز همگی این پیمان را می‌پذیرند و تک تک با امام علیه السلام رو بوسی می‌کنند (شافعی، بی‌تا: ص 96).

\* اوصاف اصحاب

طبق نقل روایات، اصحاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همگی جوانند مگر تعداد اندکی؛ مانند کمی سرمه در چشم یا کمی نمک در غذا (طوسی، بی‌تا: ص 284). در برخی روایات، یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به شیران روز و نیایشگران شب زنده دار که دل‌هاشان مانند پاره‌های آهن، محکم و استوار است، توصیف شده‌اند (مجلسی، همان: ج 52، ص 386). آنان، رادمدردانی‌اند که جز شهادت در راه خدا، آرزوی دیگری ندارند و برابر رهبر و مولای خود، سخت مطیع و فرمانبردارند. ابهت و رعب این جنگجویان مصمم و فولادین، دشمنان را زمین‌گیر می‌کند (نوری، بی‌تا: ج 11، ص 114). در راه انجام مأموریت خود، بسیار قاطع و بی‌باکند و هرگز هراسی به دل راه نمی‌دهند (مجلسی، همان: ج 52، ص 308).

امام مهدی علیه السلام، با چنین اصحاب و یارانی، جهان را فتح کرده و اسلام را در سراسر گیتی، حکم فرما می‌سازد. از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود: گویی یاران مهدی را می‌بینم که سراسر زمین و آسمان را احاطه کرده‌اند و چیزی در جهان نیست، مگر این که در قبضه قدرت آنان است. آن‌ها، در جامعه به حدی محبوبند که حتی پرنده‌گان و درندگان نیز در پی جلب خشنودی و فرمان برداری آنان هستند. قطعه‌ای از زمین، از این که یکی از یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر آن گام نهاده است، بر قطعه دیگر فخر و مباهات می‌کند (صدوق، همان: ج 2، ص 672؛ مجلسی، همان: ج 52، ص 327).

\* حضور زنان در میان اصحاب

میان یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف زنان نیز حضور دارند و در بخش‌های بهداشت و درمان، انجام وظیفه می‌کنند. در روایات، تعداد آنان متفاوت ذکر شده است. طبق روایت مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام سیزده نفر میان اصحاب قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف حضور دارند که زخمی‌ها را مداوا و بیماران را پرستاری می‌کنند (طبری، همان: ص 259). در این روایت، نام‌هایی نه نفر از این زنان ذکر شده است. در برخی روایات، از حضور پنجاه زن میان یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، خبر داده شده است. آنان، در کارهای بهداشتی و امدادی به زرمندگان اسلام خدمت رسانی می‌کنند (نعمانی، همان: ص 279). در برخی دیگر، عدد بیشتری نیز ذکر شده است (ابن طاووس، همان: ص 151).

ظاهراً این نوع روایات، ناظر به زنانی‌اند که پس از قیام، حضرت را همراهی و در کارها با سپاه و اردوی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مشارکت می‌کنند.

\* رجعت گذشتگان

در برخی روایات، از بازگشت گذشتگان، در زمان ظهور، برای یاری حضرت، سخن به میان آمده است. مفاد این گونه روایات، رجعت آنان در زمان ظهور است. اما این بدان معنا نیست که آنان جزء 313 تن از اصحاب خاص حضرت (یعنی همان افرادی که ظهور، منوط به آن‌ها است) قرار داشته باشند.

بر اساس منابع روایی، از جمله کسانی که زمان ظهور در جمع اصحاب و سپاهیان مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار می‌گیرند، عده‌ای از مؤمنان شایسته و برجستگانی است که پیش‌تر، از دنیا رفته‌اند. خداوند، آنان را دوباره زنده می‌کند، تا به سپاه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ملحق شوند. این اشخاص که گاهی در روایات از آنان نام برده شده است، برخی از امت‌های پیشین هستند؛ مانند یوشع بن نون، وصی موسی علیه السلام، مؤمن آل فرعون و اصحاب کهف (طبری، همان: ص 554). برخی دیگر نیز از پیشگامان و برجستگان صدر اسلام در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیه السلام هستند؛ نظیر سلمان فارسی، ابودجانه انصاری، مالک اشتر نخعی (فتال نیشابوری، همان: ج 2، ص 266)، جبیر بن خابور (راوندی، بی‌تا: ج 1، ص 185)، اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام (حر عاملی، بی‌تا: ص 266)، عبدالله بن شریک عامری (همان)، مفضل بن عمر (طبری، همان: ص 248)، و....

\* پیوستن حضرت مسیح علیه السلام

با ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، حضرت عیسی مسیح علیه السلام نیز ظاهر شده و به آن امام ملحق می‌شود و می‌گوید: #171; من، وزیر فرستاده شده‌ام، نه امیر و فرمانروا؛ (کورانی، همان: ج 1، ص 527). وی از سوی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، فرماندهی عملیات تهاجمی بر ضد لشکریان دجال را بر عهده می‌گیرد (طیسی، 1385: ج 1، ص 167)؛ به همین سبب در روایات، از میان کارگزاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از حضرت عیسی مسیح علیه السلام به دلیل نقش کلیدی و منحصر به فرد او در تحکیم و گسترش حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام، با عنوان #171; وزیر؛ یاد شده است. گو این‌که حضرت عیسی مسیح علیه السلام در دوران ظهور، نقش معاون اولی امام مهدی علیه السلام را در میان دستیاران و کارگزاران حکومتی امام مهدی علیه السلام بر عهده دارد (بحرانی، بی‌تا: ص 697). امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، با چنین اصحاب و کارگزارانی، سرانجام، حکومت جهانی اسلام را تحقق می‌بخشند و جهان را از عدل و داد پر می‌کند.

## گروه انصار

مراد از انصار - چنان‌که اشاره شد - مجموعه نیروهایی‌اند که در آستانه ظهور یا همزمان با ظهور امام مهدی علیه السلام از مناطق مختلف قیام می‌کنند و برای یاری حضرت و مقابله با دشمنان ایشان، به پا می‌خیزند. این نیروها، بعضاً دارای سازماندهی ویژه‌ای هستند که با انسجام خاص و تحت مدیریت افراد خاصی رهبری می‌شوند. اکنون به مهم‌ترین این نیروها اشاره می‌کنیم.

### \* رزمندگان خراسان

بر اساس روایات، از نیروهایی که هنگام ظهور، به حمایت از قیام حضرت به پا می‌خیزند، سپاهیان خراسانند که از ایران سازماندهی می‌شوند. سپاه اهالی خراسان که در روایات ناظر به ایران آن زمان است و تا مناطق ماوراءالنهر را شامل می‌شود، پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام با پرچم‌های سیاه، به فرماندهی سید خراسانی برای بیعت و یاری امام مهدی علیه السلام حرکت می‌کنند. این، هنگامی است که امام عصر علیه السلام از مدینه به سوی کوفه حرکت کرده است. سپاه خراسانی، میان راه به حضرت مهدی علیه السلام می‌پیوندند و تحت فرمان حضرت، برای جنگ با سفیانی راهی کوفه می‌شوند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است:

هنگامی که مشاهده کردید پرچم‌های سیاه از سوی خراسان می‌آیند، با هر وسیله ممکن به سوی آن‌ها بشتابید؛ هر چند مجبور باشید برای این کار روی برف و یخ سینه خیز بروید؛ چرا که خلیفه الله مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف میان آن پرچم‌ها حضور دارد (مجلسی، همان: ج 51، ص 82).

ابو خالد کابلی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

گویا می‌بینم قومی را که در مشرق خروج کرده‌اند و حق را مطالبه می‌کنند؛ پس به ایشان داده نمی‌شود. باز مطالبه حق می‌کنند و به ایشان داده نمی‌شود؛ پس چون چنین ببینند، شمشیرهای خود را بر دوش خود گذارند. آن‌گاه آنچه می‌خواستند به ایشان داده شود و ایشان قبول نکنند، تا این‌که قیام کنند و نخواهند دولت را مگر، به صاحب شما. کشته‌های ایشان، شهادتیند. آگاه باشید اگر من آن زمان را درک می‌کردم، خود را برای صاحب این امر، نگاه می‌داشتم (نعمانی، همان: ص 182؛ کورانی، همان: ج 3، ص 269).

این روایت، بر اصالت و حقانیت نهضت مردمان مشرق زمین و نقش زمینه‌ساز آن دلالت روشنی دارد. ظاهراً کلمه #171; مشرق؛ در این روایت نیز ناظر به منطقه خراسان است؛ همان چیزی که در دیگر روایات بدان تصریح شده است.

از این روایت استفاده می‌شود که تشکیل سپاه و سازماندهی رزمندگان خراسان، با مدیریت مستقیم امام مهدی علیه السلام و دست‌کم با هماهنگی و اشراف آن حضرت است. آنان، در مقابله و شکست دشمنان حضرت در عراق یعنی جنبش سفیانی، نقش مؤثری خواهند داشت.

در رابطه با قیام خراسانی، چند نکته قابل ذکر است:

1. عنوان خراسان - همان‌گونه که اشاره شد - تا آن طرف بلخ و بخارا را شامل می‌شود؛ لذا درباره محل خروج وی و این‌که خراسانی از کدام قسمت خراسان خروج می‌کند، در روایات به محل خاصی اشاره نشده است.

2. ماهیت و چگونگی قیام خراسانی نیز در روایات به صورت شفاف بیان نشده است؛ به همین سبب در این خصوص و نیز شخصیتی که رهبری این قیام را بر عهده دارد، اطلاعات دقیقی وجود ندارد. در برخی روایات سخن از خروج سید خراسانی و در برخی دیگر از روایات از سید حسنی، سخن به میان آمده است. از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود: #171; بی‌برق‌های سیاهی که از خراسان خروج می‌کند، به کوفه نازل خواهند شد؛ پس چون مهدی علیه السلام به سوی عراق حرکت کند، آنان با او بیعت خواهند نمود؛ (مجلسی، همان: ج 52، ص 217)؛ به همین سبب این احتمال که این دو عنوان برای یک نفر باشد یا این‌که بیانگر دو

قیام از خراسان با رهبری دو نفر باشد، وجود دارد.

3. نقش قیام خراسانی در زمینه سازی و حمایت از قیام امام مهدی علیه السلام قابل توجه است. در روایتی که ابوالخالد کابلی از امام باقر علیه السلام نقل کرده است، حضرت، نقش آنان را چنین توصیف کرده است:

گویی اکنون گروهی را با چشم خود می بینم که از مشرق قیام کرده اند و خواستار حقتند؛ ولی آن را به آن ها نمی دهند. سپس باز حقشان را می طلبند؛ ولی به آنان داده نمی شود و چون چنان دیدند، اسلحه های خود را برمی گیرند و بر گردن هایشان می گذارند. این وقت، آنچه را که می خواستند به آن ها داده می شود؛ ولی آن طایفه دیگر نمی پذیرند، تا این که قیام می کنند و کارشان رونق می گیرد، و آنان آن را به کسی نخواهند داد مگر به صاحب شما (= حضرت مهدی علیه السلام) و کشته شدگانشان شهیدند. آگاه باش که اگر من آن روز را درک می کردم؛ خود را برای صاحب این امر، نگه می داشتم (نعمانی، همان: ص 273؛ مجلسی، همان: ج 52، ص 243).

در این روایت، امام باقر علیه السلام ضمن این که برحقانیت انقلاب کنندگان و کشته شدگان آن ها تأکید فرموده، از نقش حمایتی آنان برای برپایی حکومت عدل مهدوی خبر داده است.

4. همزمانی قیام خراسانی با خروج سفیانی. در برخی روایات، خروج خراسانی و سفیانی، به دو اسب مسابقه تشبیه شده اند که خراسانی از مشرق و سفیانی از مغرب به طرف کوفه در حرکتند، می فرماید:

خراسانی و سفیانی در حالی خروج می کنند که یکی از طرف شرق و دیگری از طرف غرب به سوی کوفه و عراق در حرکتند و هر کدام سعی می کند که از دیگری پیشی بگیرد (نعمانی، همان: ص 264).

همچنین حرکت سپاهیان خراسانی، با حرکت نیروهای یمن به فرماندهی شخصی موسوم به یمانی همزمان است. روایات مربوط به این همراهی و همزمانی را در قسمت بعدی بیان خواهیم کرد.

\* سپاه شعیب بن صالح

از قیام هایی که در آستانه ظهور به وقوع می پیوندد، قیامی است که با فرماندهی چهره شاخصی به نام شعیب بن صالح برای مقابله با دشمنان امام مهدی علیه السلام و حمایت از حضرت صورت می گیرد. درباره این که قیام شعیب بن صالح از کدام منطقه است و پیروان او ساکن کدام سرزمین هستند، در برخی روایات، قیام وی از منطقه سمرقند ذکر شده است. از امام زین العابدین علیه السلام نقل شده است که فرمود: «&#171؛ بعد از خروج عوف سلمی در تکریت عراق، خروج شعیب بن صالح است از سمرقند» (طوسی، همان: ص 444؛ مجلسی، همان: ج 52، ص 213).

قیام شعیب بن صالح، همانند قیام خراسانی با هدف مقابله با جریان ستمگر سفیانی انجام می گیرد. این قیام، اندکی قبل از ظهور به وقوع می پیوندد و به ظهور امام مهدی علیه السلام می انجامد. با ظهور حضرت مهدی علیه السلام شعیب بن صالح با نیروهای تحت امرش به حمایت از حضرت می پردازند و با امام مهدی علیه السلام بیعت می کنند.

بر اساس روایات، او پس از پیوستن به لشکریان حضرت مهدی علیه السلام، خود از سرداران سپاه حضرت می شود. در روایتی که عمار یاسر نقل کرده، نام شعیب بن صالح برده شده و او را علمدار حضرت صاحب علیه السلام یاد کرده است (کورانی، همان: ج 1، ص 399). همچنین از حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود:

سپس شعیب بن صالح رو می آورد. خداوند، بلاد شعیب را به رحمت خود سیراب گرداند! با بیرق های سیاه می آید، تا این که با مهدی بیعت می کند و سپس علمدار او می شود (کورانی، همان: ج 1، ص 401).

مسلم است که قیام شعیب و نبرد و جهاد وی با جبهه سفیانیان، نقش مهمی در تقویت جبهه حق و فراهم سازی مقدمات ظهور حضرت مهدی علیه السلام، خواهند داشت. امیر المومنین علیه السلام می فرماید: «&#171؛ هرگاه پرچم های سیاهی که شعیب بن صالح فرماندهی آن را بر عهده دارد، ظاهر شوند و لشکریان سفیانی را شکست دهند، مردم آرزوی مهدی کنند و به جست و جوی او برآیند» (کورانی، همان: ج 3، ص 76-621). همچنین از حضرت باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود: «&#171؛ شعیب بن صالح، با لشکریان سفیانی جنگ خواهند کرد و آنان را شکست خواهند داد» (کورانی، همان: ص 270).

\* سپاه سید حسنی

از دیگر قیام های آستانه ظهور، قیامی است که با پرچمداری شخصی به نام سید حسنی، به وقوع می پیوندد. در روایات، وی جوانی هاشمی که جمعی از سادات دور او را گرفته و پس از قیام از مشرق با امام مهدی علیه السلام در کوفه بیعت می کند معرفی شده است. از حضرت باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود: «&#171؛ جوانی از بنی هاشم از خراسان بیاید و در جلو او شعیب بن صالح باشد» (همان). به همین احتمال این که وی همان سید خراسانی باشد نیز وجود دارد؛ به ویژه با توجه به این که شعیب بن صالح نیز پیش قراول قیام وی مطرح شده است.

به هر حال آنچه قطعی است، این است که مراد از سید حسنی و خروج او در اخبار، غیر از آن سید حسنی معروف به نفس زکیه است که به عنوان پیک امام مهدی علیه السلام در مکه در هنگام ظهور امام علیه السلام کشته می شود و سر او را به شام می فرستند. نیز مراد، غیر از آن «&#171؛ حسنی» (ای است که در شام، با امویان می جنگد و سفیانی بر او غالب می شود؛ بلکه این سید حسنی، کسی است که خروج او از بلاد شرق انجام می گیرد و بعد از ورود به عراق، در کوفه با امام مهدی علیه السلام ملاقات و بیعت می کند.

درباره ای از روایات، خروج وی، از علامات ظهور ذکر شده است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «&#171؛ ... و ظاهر شود سفیانی و یمانی. و حرکت کند حسنی. آن گاه صاحب این امر، خروج کند» (مجلسی، همان: ج 52، ص 242).

\* مجاهد مردان یمینی

نهضت یمینی ها به فرماندهی شخصی که در روایات از وی با عنوان «&#171؛ یمانی» نام برده شده، یکی از رخداد های مهم و تأثیرگذار هنگام ظهور است. این نهضت - که در روایات، یکی از نشانه ها و علائم حتمی ظهور یاد شده، بیش از همه مورد ستایش و



تأکید قرار گرفته است. این موضوع، از جهات مختلفی نظیر رهبری نهضت، زمان قیام، مکان قیام، ملیت یمانی، خصوصیات شخصی یمانی، اهداف قیام، ویژگی‌های قیام و... قابل بررسی است. در این نوشتار، نگارنده کوشیده است با نگرش روایی به این بحث، ابعاد مختلف این موضوع را از منظر روایات، مورد توجه قرار دهند. مسأله قیام یمانی در آستانه ظهور حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از نظر منبع شناسی، فقط در منابع روایی شیعی منعکس شده و در مجامع روایی اهل سنت مطرح نگردیده است. روایات موجود در منابع شیعی، وی را از جهات مختلفی توصیف کرده است. این روایات، اصل قیام یمانی را در هنگامه ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف، یک امر قطعی و مسلم می‌داند و تعداد این روایات نیز در حد استفاضه نقل شده است. بر اساس تتبع نگارنده، در مجامع حدیثی شیعه بیش از 45 روایت در این رابطه نقل شده که از این مجموع، تعداد روایاتی که بدون تکرار در مصادر اولیه نقل شده، حدود شانزده روایت است؛ از این رو، در یک تقسیم‌بندی کلی، موضوعات مطرح شده در این روایات را در چند محور، می‌توان مورد توجه قرارداد:

1. مشخصات فردی: در روایات، هویت فردی و خصوصیات اسمی و نسبی این شخصیت، چندان شفاف بیان نشده است. در این باره، فقط دو روایت وجود دارد که وی را با نام حسن یا حسین از منطقه صنعا در یمن، معرفی کرده است: نخست، روایتی است که در کتاب بشاره الاسلام نقل شده است. در این روایت، از یمانی، با نام «حسین»؛ یا «حسن»؛ یاد شده است. در این روایت، آمده است: فرمانروایی از صنعای یمن به نام حسین یا حسن قیام خواهد کرد. در پرتو قیام او که خجسته و طاهر است، فتنه‌ها از میان می‌رود و حق پس از پنهان شدن، آشکار می‌شود (کاظمی، بی‌تا: ص 187). روایت دوم نیز در کتاب بشاره الاسلام، از امام صادق علیه السلام نقل شده است. در این روایت که به نسب یمانی اشاره دارد، آمده است: «...خروج مردی از فرزندان عموم زید در یمن» (همان). آنچه که در کتاب‌های متأخران درباره مشخصات اسمی یا نسبی یمانی ذکر شده نیز مبتنی بر همین دو روایت است. نویسنده کتاب عصر ظهور، با اشاره به روایت اول می‌گوید: «در بخشی از روایات، وارد شده است که او از یمن و از یک آبادی به نام «کرعه»؛ خروج می‌کند»؛ وی گفته است که بعید نیست این شخص همان یمانی باشد که قبل از قیام حضرت خروج می‌کند (کورانی، همان: ص 159). آیت الله صافی گلپایگانی نیز در منتخب الاثر معتقد است وی از یمن خروج می‌کند: «یمانی مردی است که مردم را به سوی مهدی علیه السلام فرا می‌خواند و از یمن خروج می‌کند» (صافی گلپایگانی، 1421: ج 2، ص 563).

به نظر می‌رسد دلالت این دو روایت بر اثبات مطلب، قابل تأمل است؛ زیرا ظاهر این دو روایت دلالت روشنی ندارد که یمانی در این جا همان یمانی مورد نظر در باب علایم ظهور باشد؛ چون در هیچ یک از این دو روایت، صحبت از خروج هنگام ظهور یا نزدیک به ظهور، مطرح نیست؛ لذا این احتمال وجود دارد که مراد از یمانی در این دو روایت، یمانی معهود در عصر راوی باشد. بنابراین درباره شناسنامه اسمی و نسبی «یمانی»؛ به سبب عدم شفافیت مسأله در روایات، نمی‌توان قضاوت قطعی کرد.

2. ملیت یمانی: اما درباره ملیت یمانی و این که اهل کجا است و از چه منطقه‌ای قیام خواهد کرد، آنچه در روایات آمده، این است که وی از منطقه «صنعا»؛ خروج خواهد کرد. اما این که آیا مراد از «صنعا»؛ کشور یمن فعلی است که مرکز آن «صنعا»؛ است یا این که منطقه گسترده و وسیع‌تری را شامل می‌شود، باید گفت که روایات در این باره نیز صراحت ندارد؛ ولی با توجه به این که در روایات، از اهل یمن به دلیل نقش با اهمیت آنان در زمینه سازی ظهور و یاری حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف، تجلیل و ستایش شده است، این احتمال، بیشتر تقویت می‌شود که وی از اهل یمن فعلی باشد. افزون بر این که هیچ قرینه‌ای وجود ندارد که اصطلاح «یمنی»؛ در گذشته دارای قلمرو بیشتر از یمن فعلی بوده باشد.

3. خروج یمانی، از علائم ظهور: در بعضی از روایات، تصریح شده است، خروج یمانی، یکی از علائم ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ مانند روایتی که عمر بن حنظله از امام صادق علیه السلام چنین نقل می‌کند: «بیش از قیام حضرت مهدی علیه السلام، پنج چیز به عنوان علامت و نشانه رخ خواهد داد: «ندای آسمانی، سفیانی، واقعه خسف پیدا و خروج یمانی و کشته شدن نفس زکیه»؛ (صدوق، بی‌تا: ص 649؛ همو، بی‌تا: ص 304).

در حدیث دیگر محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: از نشانه‌های خروج وی، خروج سفیانی از شام و یمانی از یمن و شنیده شدن صدا از آسمان در ماه رمضان است که ایشان را با نام خود و نام پدرش از آسمان فریاد می‌زند (کاظمی، همان: ص 100).

4. حتمی بودن خروج یمانی: مسأله دیگر درباره یمانی حتمی بودن قیام وی در آستانه ظهور است. در روایات، بر محتوم بودن خروج وی، تصریح کرده است:

الف. امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «از اموری که حتما اتفاق می‌افتد قبل از قیام قائم علیه السلام، خروج سفیانی، خسف پیدا، کشته شدن نفس زکیه، شنیده شدن صدای آسمانی و خروج یمانی است» (نعمانی، همان: ص 252).

ب. عبد الله بن سنان از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمود: «شنیده شدن صدای آسمانی و خروج سفیانی و یمانی و... امری حتمی است» (مفید، همان: ص 336).

5. زمان قیام یمانی: در روایات، قیام یمانی هم‌زمان قیام خراسانی و خروج سفیانی در آستانه ظهور، بیان شده است. خروج این دو (خراسانی و یمانی) در جهت دعوت به حق و به سوی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و سفیانی در جهت مقابله با قیام حضرت، در یک سال و یک‌ماه و یک روز عنوان شده است که اکنون به چند نمونه از این روایات اشاره می‌کنیم:

الف. ابو بصیر از امام باقر علیه السلام در حدیثی مفصل نقل می‌کند که حضرت فرمود: «خروج سفیانی و یمانی و خراسانی در

یک سال و یک ماه و یک روز اتفاق می‌افتد؛ به صورت پی در پی یکی به دنبال دیگری رخ می‌دهد؛ (نعمانی، همان: ص 253) ب. امام صادق علیه السلام نیز درباره هم‌زمانی و رقابت یمانی با سفیانی می‌فرماید: «&#171؛ قیام این دو شخص یکی در جبهه حق و دیگری در جبهه باطل در تقابل و رقابت با هم قرار دارد؛ همانند رقابت دو اسب تیزرو»؛ (نعمانی، همان: ص 253). ج. در روایت عمر بن حنظله از امام صادق علیه السلام، حضرت می‌فرماید: «&#171؛ پنج علامت و نشانه قبل از خروج حضرت مهدی علیه السلام رخ خواهند داد: صدای آسمانی، خروج سفیانی، بلعیده شدن گروهی در سرزمین بیداء، خروج یمانی و کشته شدن نفس زکیه»؛ (طوسی، همان: ص 436).

د. امام صادق علیه السلام در روایت دیگر با اندک تفاوتی می‌فرماید: «&#171؛ پنج چیز نشانه قیام قائم علیه السلام است: خروج یمانی و سفیانی و صدای آسمانی و واقعه خسف پیدا و قتل نفس زکیه»؛ (صدوق، بی‌تا: ص 244). باید توجه داشت که در این روایات، ضمن تأکید بر این‌که خروج یمانی از علائم قیام حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود، محل خروج یمانی را نیز «&#171؛ یمن»؛ بیان کرده است که موید احتمال «&#171؛ یمنی»؛ بودن وی می‌باشد. همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد؛ زیرا ظاهر کلام حضرت (الیمانی من الیمن) در روایت اخیر و تعبیر (خروج الیمانی من الیمن) در روایت نخست به قرینه جمله (خروج السفیانی من الشام) که قبل از آن مطرح شده، این است که حضرت محل خروج وی را «&#171؛ یمن»؛ معرفی کرده است.

ه. در جای دیگر نیز امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «&#171؛ سه شخص: خراسانی، سفیانی و یمانی در یکسال و یکماه و یک روز خروج می‌کنند»؛ (مفید، همان: ج 2، ص 446). و در روایت یعقوب سراج از امام صادق علیه السلام نیز آمده است:

خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: چه وقت فرج و گشایش شیعیان شما فرا می‌رسد؟ فرمود: زمانی که بین فرزندان عباس اختلاف و نزاع رخ دهد و حکومتش سست شود و کسانی که گمان نمی‌رود بر آنان هجوم آورد و حکام عرب از جایگاه خود به زیر آورده شود و هر صاحب ادعایی تلاش خود را بنماید و سفیانی خارج شود و یمانی قیام کند و حسنی به پا خیزد. آن‌گاه صاحب الامر علیه السلام از مدینه به سمت مکه حرکت کند در حالی که میراث پیامبر صلی الله علیه و آله را با خود دارد (نعمانی، همان: ص 27).

در این روایت نیز خروج یمانی، همانند خروج سفیانی و حرکت سید حسنی که شاید مراد همان سید خراسانی مذکور در روایات باشد، اندکی قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام یا متصل به آن، ذکر شده است. خود تعبیر «&#171؛ و اقبل الیمانی»؛ در این روایت، بیانگر اقدامات تمهیدی و زمینه ساز جناب یمانی در جهت استقبال از حضور حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، می‌باشد.

6. اهداف و ویژگی‌های قیام یمانی: میان شخصیت‌های مؤثر در زمینه سازی و قیام برای دفاع و حمایت از حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف، هیچ شخصیتی همانند یمانی و قیام او در روایات، مورد تجلیل و عنایت قرار نگرفته است. قیام یمانی از جهت قداست هدف و خلوص انگیزه و دعوت به سوی حق از سوی ائمه علیه السلام بیش از دیگران، مورد تأیید و تکریم خاص قرار گرفته است:

الف. امام صادق علیه السلام در توصیف قیام یمانی می‌فرماید: «&#171؛ هیچ پرچمی و حرکتی در هنگامه ظهور، رشد یافته‌تر از حرکت یمانی نیست. او مردم را به سوی حق هدایت و راهنمایی می‌کند»؛ (طوسی، همان: ص 446).

ب. در روایت ابی بصیر از امام صادق علیه السلام نیز آمده است: در میان پرچم‌های برافراشته شده هیچ پرچمی مثل پرچم یمانی هدایت بخش نیست. پرچم وی هدایت است، چون وی مردم را به سوی صاحب شما دعوت می‌کند، پس هنگامی که یمانی قیام کرد، فروش سلاح بر مردم حرام خواهد بود. در آن هنگام باید به سوی وی شتافته شود چون او پرچمدار هدایت است. بر هیچ مسلمانی روا نیست که از وی روی بگرداند وگرنه اهل آتش خواهد بود چون او به سوی حق و راه مستقیم فرا می‌خواند (نعمانی، همان: ص 253).

تعبیر و فرازهایی به کار رفته در این حدیث شریف، گویای درخشش شخصیت ممتاز یمانی هنگام ظهور و صحت قیام و انقلاب وی است. جالب این است که این توصیفات درباره یمانی که وی را شخصی مورد تأیید و لازم‌الاتباع معرفی کرده، بعد از قراردادن آن در کنار سید خراسانی در صدر روایت بوده است؛ یعنی بعد از این‌که قیام یمانی را با قیام خراسانی هم‌زمان ذکر نموده، فرازهایی ذیل روایت در مقام تجلیل از شخصیت منحصر به فرد وی و تأیید کامل قیام او، با تأکید مکرر بیان شده است که قیام یمانی را از نظر خلوص انگیزه و صداقت در اهداف، از دیگران متمایز می‌کند.

در این رابطه توجه به دو نکته مهم، ضروری است: نکته اول، تأیید محکم روایات، بر حقانیت قیام یمانی و امضای کامل جنبش یمانی است؛ نظیر آنچه در فقرات «&#171؛ لیس فی الریایات اهدی من رایة الیمانی»؛ «&#171؛ هی رایة هدی»؛ «&#171؛ فإن رایته رایة الحق»؛ «&#171؛ یهدی الی الحق و الی طریق مستقیم»؛ «&#171؛ لأنه یدعوا الی صاحبکم»؛ ... مشاهده می‌شود. در این فقرات، کلمه «&#171؛ هدی»؛ که مطلق ذکر شده و نیز تعبیر «&#171؛ اهدی»؛ گویای مشروعیت کامل این قیام است. نیز تعبیری که در جهت تعلیل انگیزه‌های قیام یمانی به کار رفته، وجه حقانیت وی را در دعوت به سوی حق و امام زمان علیه السلام بیان کرده است.

نکته دوم، وجوب حمایت از قیام یمانی است؛ چنان‌که در روایت قبل، امام صادق علیه السلام مردم را به پیوستن و همراهی وی مکلف کرده است و مخالفت و پشت کردن با او را نه تنها حرام، بلکه مستلزم کفر و شقاوت دانسته و اهل آتش شدن اعلام کرده است؛

چنان‌که پیش‌تر اشاره شد.

علاوه بر حرمت مخالفت فکری با وی، مخالفت عملی و عدم اطاعت از وی را در ممنوع بودن فروش اسلحه نیز یاد آور شده است که همه این‌ها بیانگر اهمیت و نقش برجسته حرکت انقلابی یمانی در مقایسه با دیگران در آستانه ظهور حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف و هجوم فتنه‌ها در آن عصر و زمان است.

اما این‌که چرا در روایات نهضت یمانی، هدایت بخش‌تر از دیگران توصیف شده و وجه برجستگی و استقامت پرچم وی میان دیگر پرچم‌ها و قیام‌ها چیست، پرسشی است که با تأمل در روایات قبل، می‌توان پاسخ آن را به دست آورد.

در این باره، نویسنده کتاب عصر ظهور، چند وجه را یاد آور شده است که توجه به آن، حائز اهمیت است:

وجه اول این‌که سیستم رهبری سیاسی در یمن، از جهت سادگی و قاطعیت، نزدیک‌تر به اسلام و دستورات مربوط به توسعه و گسترش اسلام و الزامات آن است.

وجه دوم این‌که ممکن است این امتیاز، به سبب وجود نیروهای مطیع، مخلص و تسخیرناپذیر در سپاه یمانی باشد.

وجه سوم این‌که ممکن است عدم پابندی و عدم تعهد به عناوین ثانوی و معاهدات بین المللی حرکت یمانی، موجب برتری نهضت وی در آن شرایط باشد؛ برخلاف نهضت خراسانی از ایران که با توجه به سابقه سیاسی و تعهدات متقابل با نظام‌های بین المللی، در چنین وضعیتی قرار ندارد.

وجه چهارم این‌که قیام یمانی به دلیل این‌که به دیدار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نائل شده و مستقیماً از رهنمودهای امام علیه السلام بر خوردار است، خالص‌تر و مطمئن‌تر از قیام‌های دیگر است (کورانی، همان: ص 159).

نویسنده عصر ظهور در نهایت، وجه اخیر را ترجیح می‌دهد؛ ولی دلیلی وجود ندارد که جناب یمانی در خروجش مستقیماً از حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف دستور بگیرد یا این‌که شخصاً با حضرت دیدار داشته باشد؛ بنابراین در توجیه و تحلیل برتری و هدایت بخشی قیام یمانی، وجه اول و وجه سوم مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

غیر از آنچه اشاره شد، گروه‌های دیگری نیز هستند که هنگام ظهور، برای یاری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از مناطق مختلف قیام می‌کنند و به لشکریان پیروز حضرت می‌پیوندند. این نیروها، از مناطق مختلفی مثل کوفه، شام، مصر و... به سوی حضرت به پا می‌خیزند. در برخی روایات از این نیروها و مجموعه‌ها، با عناوینی همچون: «#171؛ ابدال»؛ «#171؛ نجبا»؛ و «#171؛ عصاب»؛ یاد شده است (مجلسی، همان: ج 51، ص 88). در برخی روایات، از اهالی طالقان به عنوان یاران و اصحاب حضرت مهدی علیه السلام، تجلیل شده است. از امام صادق علیه السلام درباره اهالی طالقان، نقل شده است که فرمود: «#171؛ برای قائم علیه السلام، گنجی است در طالقان که نه طلا است و نه نقره»؛ (همان: ج 52، ص 308). همچنین از امیر المؤمنین علیه السلام نقل شده است که فرمود:

خوشا به حال طالقان، که از برای خداوند عز و جل در آن گنج‌هایی است نه از جنس طلا و نه از نقره و لکن در آن مردانی است اهل ایمان که خدا را از روی معرفت شناخته‌اند، آنان انصار و یاوران مهدی در آخر الزمان خواهند بود (همان: ج 51، ص 87؛ کورانی، همان: ج 3، ص 82).

و روایات مشابه دیگری نیز در این زمینه نقل شده است. از میان مجموعه نیروهایی که از مناطق مختلف برای حمایت و یاری رسانی امام مهدی علیه السلام به پا می‌خیزند، در این شرایط حساس و تاریخی، تنها رزمندگان خراسانی و یمانی به صورت یک نیروی منظم و دارای آرایش نظامی، در صحنه ظاهر شده و به ایفای نقش می‌پردازند. ظاهراً میان حرکت نیروهای تحت امر شعیب بن صالح و نیروهای خراسانی نیز ارتباط و هماهنگی کامل وجود دارد. این نیروها بعد از طغیانگری سفیانی در آستانه ظهور، از مناطق مختلف به صورت ضربتی وارد عراق شده و با سپاه سفیانی به نبرد می‌پردازند. به همین سبب، آنان در حمایت از امام مهدی علیه السلام و مقابله با دشمنان آن حضرت، نقش مؤثر و برجسته‌تری نسبت به دیگران خواهند داشت.

آنچه اشاره شد، صرفاً نمونه‌هایی از قیام عدالت خواهانه‌ای بود که بر اساس روایات در هنگامه ظهور برای حمایت از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رخ می‌دهند. البته این به معنای انحصار یاوران مهدی علیه السلام در هنگام ظهور در موارد ذکر شده نمی‌باشد.

#### منابع

1. ابن بابویه قمی، ابوجعفر محمد بن علی، الخصال، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
2. ابن بابویه قمی، ابوجعفر محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
3. ابن حماد مروزی، ابوعبدالله نعیم، الفتن، انگلستان، کتابخانه المتحف، خطی.
4. ابن طاووس، رضی الدین علی بن موسی، الملاحم والفتن فی ظهور الغائب المنتظر، بیروت، مؤسسة الاعلمی.
5. ابن منظور، محمد، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه.
6. اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی بن ابی الفتح، کشف الغمه فی معرفة الأئمة، بیروت، دارالکتب الاسلامیه.
7. بحرانی، هاشم، المحجة فیما نزل فی الحجة بیروت، مؤسسة الوفاء، 1403 ق.
8. بحرانی، هاشم، حلیة الابرا فی فضائل محمد وآله الاطهار، قم، دارالکتب العلمیه.
9. بحرانی، هاشم، غایة المرام فی حجة الخصام عن طریق الخاص والعام، بیروت، مؤسسة الاعلمی.
10. حرعاملی، محمد بن الحسن، اثبات الهداة، قم، چاپخانه علمیه.
11. حرعاملی، محمد بن الحسن، الايقاظ من الهجعة، قم، دارالکتب العلمیه.



12. حسيني واسطي زبيدي، محمد مرتضي، تاج العروس، كويت، دارالهداية، 1385 ش.
  13. حلي، رضي الدين علي بن يوسف بن المطهر، العدد القويہ لدفع المخاوف اليوميہ، قم، كتابخانه مرعشي نجفي.
  14. حلي، يوسف حسن بن مطهر، المستجاد من كتاب الارشاد، قم، كتابخانه آيت الله مرعشي.
  15. ديلمي، ابو محمد، ارشاد القلوب، بيروت، موسسه الاعلمي.
  16. شيخ طوسي، ابوجعفر محمد بن حسن، الغيبة، تهران، كتابفروشي نينوي.
  17. صافي گلپايگاني، لطف الله، منتخب الاثر، چاپ دوم، قم، انتشارات حضرت معصومه عليها السلام، 1421 ق.
  18. صفار قمي، محمد بن الحسن بن فروخ، بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلي الله عليه و آله، قم، كتابخانه آيت الله مرعشي.
  19. طبرسي، فضل بن الحسن، مجمع البيان في تفسير القرآن، قم، دارالكتب الاسلاميه.
  20. طبري، محمد بن جرير بن رستم، دلائل الامامه، قم، كتابفروشي رضي.
  21. طبسي نجفي، محمد رضا، الشيعة والرجعة، چاپخانه الآداب، نجف اشرف، 1385 ش.
  22. عاملي، محسن امين، اعيان الشيعة، بيروت، دارالتعارف.
  23. عبدالباقي، محمد فؤاد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الكريم، قاهره، الطبع الثاني 1408 ق.
  24. عروسي حويزي، عبدعلي بن جمعه، نورالثقلين، قم، چاپخانه علميه.
  25. عياشي سمرقندي، محمد بن مسعود، تفسير العياشي، تهران، كتابفروشي اسلاميه.
  26. فتال نيشابوري، محمد، روضة الواعظين، انتشارات الرضي، قم.
  27. كوراني، علي، عصر ظهور، ترجمة عباس جلاي، 1378، قم، سازمان تبليغات اسلامي.
  28. كوراني، علي، معجم احاديث المهدي، مؤسسه معارف اسلامي، قم، 1411 ق.
  29. كاظمي، مصطفى، بشارة الاسلام، تهران، كتابخانه نينوالحديثه.
  30. كليني رازي، محمد بن يعقوب، الكافي، تهران، دارالكتب الاسلاميه.
  31. متقي هندي، علاء الدين علي، كنز العمال في سنن الاقوال والافعال، بيروت، مؤسسه الرساله.
  32. متقي هندي، علاء الدين علي، البرهان في علامات مهدي آخر الزمان، چاپخانه خيام، قم.
  33. مجلسي، محمد باقر، بحار الانوار، بيروت، مؤسسه الوفاء.
  34. معروف (الدين راوندي)، ابوالحسين سعيد بن هبة الله، الخرائج والجرائح، قم، مؤسسه الامام مهدي.
  35. مقدس شافعي، يوسف بن يحيي، عقد الدرر في اخبار المنتظر، عالم الفكر، قاهره.
  36. نعماني، محمد بن ابراهيم، الغيبة، تهران، كتابفروشي صدوق.
  37. نوري طبري، ميرزا حسين، مسدرك الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت لاحياء التراث.
- نويسنده: قنبرعلي صمدي  
مجله انتظار موعود- شماره 29